irannewspaper.ir

چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۰۷۴
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۴۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۰۳/۱۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۰۰

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

# ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

**مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

**سخن روز**

**امام علی(ع):**
چشم‌ها، پیشقراولان دل‌هایند.
غررالحکم، ح۴۰۵

نقل قول

## اگر موسیقی نتواند معنایی منتقل کند محکوم به فراموشی است

گاهی یک موسیقی از ملودی نخ‌نما و تکراری برخوردار است، تنظیم ضعیفی دارد و صدای خواننده نیز با پیام اثر منطبق نیست. در چنین شرایطی، خواننده باید بتواند مفهوم اثر را به‌درستی منتقل کند. به تعبیر عامیانه، کلام باید «به دهان خواننده بیاید». اگر جملات حال و هوای ناصحانه، حماسی، عاطفی یا عاشقانه دارند، این صداقت باید در بیان و دکلمه خواننده وجود داشته باشد تا شنونده آن را باور کند و بپذیرد. اگر موسیقی یک سریال نتواند معنایی را منتقل کند، بدون تردید محکوم به فراموشی خواهد بود. یک تیتراژ باید با قلاب‌های معنایی و مفهومی که شاعر از طریق استعاره‌ها، تشبیه‌ها و دیگر صنایع ادبی به کار می‌گیرد و در هم‌افزایی با عناصر بصری و قصه شکل می‌گیرد، جایگاه خود را در ذهن مخاطب پیدا کند و به اثری ماندگار تبدیل شود.

**بخشی از صحبت‌های مجید اخشابی خواننده در گفت‌وگو با خبرآنلاین**

### «ریما رامین‌فر» روی صحنه تئاتر

نمایش «آتش‌سوزی‌ها» که متن آن نوشته وجدی معوض، نویسنده و بازیگر لبنانی/کانادایی است، تازه‌ترین نمایش مرتضی میرمنتظمی است که اجرای آن از ۳۱ تیر ماه در تالار اصلی مجموعه تئاترشهر آغاز می‌شود. نمایش «آتش‌سوزی‌ها» بر اساس نمایشنامه‌ای از وجدی معود با ترجمه نازنین میهن و فیلم سینمایی «INCENDIES» روی صحنه خواهد رفت که ریما رامین از بازیگران اصلی آن است. نمایش «آتش‌سوزی‌ها» از ۳۱ تیر هر شب ساعت ۲۰ و به مدت ۱۰۰ دقیقه در تالار اصلی مجموعه تئاترشهر اجرا می‌شود. /ایسنا

### انتشار «زمین جاودانیم» با آهنگسازی «هوشنگ کامکار»

هوشنگ کامکار همزمان با انتشار تک‌آهنگ «زمین جاودانیم»، در یادداشتی درباره شکل‌گیری این قطعه توضیح داده است. در بخشی از این یادداشت، کامکار شعر بیژن جلالی را الهام‌بخش این اثر دانسته و تأکید کرده است: «شعر بیژن جلالی درباره عظمت و جاودانگی همیشگی زمین، نظرم را جلب کرد که بیانگر واقعیات تفکر من در این لحظات بود و فهمیدم که نه فقط زمین بلکه مثل این شعر فروغ «پرواز را به خاطر بسپار، پرنده مردنی است»؛ پرواز آثار و اعمال ماندگار انسان‌ها هم تا ابد با زمین جاودانه می‌مانند.» /ایران

### «ستاره اسکندری» در «کیوکیو»

ستاره اسکندری، تهیه فیلم «کیوکیو» به نویسندگی و کارگردانی پویا شاه‌جهانی را به عهده گرفت. این فیلم کوتاه پس از پشت‌سر گذاشتن مرحله فیلمبرداری وارد مراحل فنی خود شده تا آماده حضور در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی شود. پویا شاه‌جهانی به عنوان عکاس سینما نامزد سه دوره جشنواره فیلم فجر شده و دارای دیپلم افتخار جشن عکاسان سینمای ایران است و لوح زرین جشنواره شهر را دریافت کرده؛ فیلم کوتاه «کیو کیو» اولین تجربه حرفه‌ای او در مقام نویسندگی و کارگردانی است. / ایران

نگاهی به فیلم **کفایت مذاکرات**

# این کمدی نمی‌خنداند

نقد

**مهرداد پارسایی**
منتقد سینما

فیلم «کفایت مذاکرات» به کارگردانی سهیل موفق، داستان نادر و شوهرخواهرش را روایت می‌کند که برای جور کردن پول خانه، دست به هر کاری می‌زنند و افراد دیگری را نیز با خود همراه می‌کنند. محور اصلی داستان، مسأله رحم اجاره‌ای است، موضوعی اجتماعی و حساس که در سال‌های اخیر کمتر در سینمای ایران دستمایه ساخت شده است. انتخاب سوژه رحم اجاره‌ای، در نگاه اول، وعده یک کمدی اجتماعی متفاوت را می‌دهد؛ موضوعی که ظرفیت طنز تلخ و نقد اجتماعی را توأمان دارد؛ اما آنچه روی پرده می‌بینیم، به جای پرداختن جدی به این موضوع، آن را دستمایه استهزا قرار می‌دهد. این فاصله میان پتانسیل سوژه و اجرای نهایی، شاید بزرگ‌ترین ضعف فیلم باشد؛ گویی فیلمساز از عمق موضوع خود می‌ترسد و ترجیح می‌دهد در سطح باقی بماند.

حضور دو بازیگر شناخته شده کمدی، مهران غفوریان و محسن کیایی، در کنار هم می‌توانست جذابیت تماشاگرپسند فیلم را تضمین کند، اما نتیجه بیشتر شبیه تکرار تیپ‌های آشناست تا خلق موقعیتی تازه. از نظر ساختاری نیز فیلم با مشکل مواجه است؛ درگیر شدن بیش از حد با خرده‌روایت‌ها باعث می‌شود پیرنگ اصلی در میانه راه گم شود. این پراکندگی روایی، همراه با نبود موقعیت‌های کمدی درخور، باعث می‌شود مخاطب حتی در لحظاتی که قرار است بخندد، احساس بی‌تفاوتی کند.

نکته قابل توجه دیگر، وجود صحنه‌های خشونت نسبتاً پررنگ در دل یک کمدی است؛ صحنه‌های کتک‌کاری، چاقوکشی و حتی بوکس زیرزمینی در فیلم دیده می‌شود که با توجه به زیر سؤال رفتن برخی ارزش‌های اخلاقی بدون نشانه روشنی از پشیمانی شخصیت‌ها، آن را برای مخاطب نوجوان چندان مناسب نمی‌کند.

نکته‌ای که در نقد این فیلم نباید نادیده گرفت، جایگاه آن در کارنامه سهیل موفق است. او پیش از این عمدتاً در حوزه سینمای کودک و نوجوان فعالیت کرده و آثاری مانند «شکلاتی» و «پاستاریونی» را ساخته بود. «کفایت مذاکرات» اولین تجربه او در ساخت فیلمی برای مخاطب بزرگسال و همچنین اولین ورودش به ژانر کمدی محسوب می‌شود. این پیشینه شاید بخشی از ضعف‌های اثر را توضیح دهد. گویی زبان طنز بزرگسالانه هنوز به‌طور کامل در دست کارگردان جا نیفتاده و او ناخواسته به سمت شوخی‌های ساده و بی‌آزار سینمای کودک متمایل شده، در حالی که موضوع فیلم به مراتب پیچیده‌تر و جدی‌تر است. از سوی دیگر، حضور تهیه‌کننده این فیلم است که طی سال‌های اخیر به تولید مکرر کمدی‌های پرفروش شهرت یافته است، نشان می‌دهد فیلم از ابتدا با نگاهی گیشه‌محور و نه لزوماً هنری ساخته شده است. این رویکرد در انتخاب بازیگران، ریتم صحنه‌ها و حتی شیوه تبلیغات فیلم کاملاً مشهود است. «کفایت مذاکرات»، نمونه‌ای است از فیلم‌هایی که با سرمایه اسم و رسم بازیگران و یک ایده اولیه جذاب، تلاش می‌کنند مخاطب را به سینما بکشانند، اما در اجرا از پس وعده‌های خود برنمی‌آیند. حضور چنین اثری در جشنواره معتبری مثل فجر نیز پرسش برانگیز بوده و برخی منتقدان آن را نشانه‌ای از افت استاندارد بخش کمدی جشنواره دانسته‌اند. در نهایت، این فیلم برای طرفداران کمدی‌های سبک و بی‌ادعا شاید ساعتی سرگرم‌کننده باشد، اما برای مخاطبی که به دنبال طنزی هوشمندانه یا نقدی اجتماعی درباره موضوع رحم اجاره‌ای است، جای خالی زیادی احساس می‌شود.

به بهانه درگذشت مادر **داریوش فرضیایی**

# مادری رفت و کودکی یک پسر جا ماند

سوگ نوشت

**رضا صائمی**
دبیر گروه فرهنگی

مرگ مادر، فقط خاموش شدن چراغ یک خانه نیست، خاموش شدن آخرین پنجره‌ای است که آدم از آن، خودش را در کودکی می‌دید. هر قدر هم سال‌ها گذشته باشد، هر قدر هم موها سپید شده باشد و نام و آوازه‌ای برای خود ساخته باشی، تا وقتی مادر هست، جایی در جهان وجود دارد که هنوز برای کسی «پسر» هستی. با رفتن مادر، انگار این نسبت برای همیشه از جهان حذف می‌شود، نسبتی که هیچ عنوان و موفقیتی جای آن را پر نمی‌کند.

خبر درگذشت مادر داریوش فرضیایی، برای بسیاری از مخاطبانش تنها خبر فقدان مادر یک چهره تلویزیونی نبود. این خبر، غم از دست دادن زنی بود که سال‌ها در حاشیه زندگی مردی ایستاد که خودش بخش مهمی از خاطرات کودکی چند نسل را ساخت. مردی که همه او را با نام «عمو پورنگ» می‌شناسند، نامی که آن‌قدر با هویت او درآمیخته که گاهی فراموش می‌کنیم پشت این چهره همیشه خندان، پسری زندگی می‌کرد که دلبستگی عمیقی به مادرش داشت. در سال‌های گذشته، بارها از علاقه و وابستگی او به مادرش گفته و نوشته شد. خودش نیز در گفت‌وگوهای مختلف، بی‌پرده از نقش مادر در زندگی‌اش سخن گفته بود. حتی روایتی میان مردم شکل گرفت که شاید یکی از دلایل ازدواج نکردنش، مراقبت از مادر و نخواستنِ ترک آن خانه بوده است. این روایت هرگز به‌عنوان واقعیتی قطعی تأیید نشده و شاید تنها برداشتی از زندگی شخصی او باشد، اما شکل گرفتن چنین تصوری، از یک حقیقت عاطفی خبر می‌دهد؛ اینکه تصویر عمومی داریوش فرضیایی، تصویر مردی بود که پیوندش با مادر، از جنس دلبستگی‌های معمولی نبود. شاید به همین دلیل، «عمو پورنگ» بودن او فقط یک نقش تلویزیونی نبود. او سال‌ها کودک را بازی نکرد، کودک را زندگی کرد. راز محبوبیتش نیز شاید همین بود که آن شور و شیطنت، تصنعی به نظر نمی‌رسید. انگار هنوز چیزی از پسربچه سال‌های دور در وجودش زنده مانده بود؛ همان کودکی که هر شب به خانه برمی‌گردد و مطمئن است مادری چشم‌انتظارش نشسته است. مادر، تنها کسی است که اجازه نمی‌دهد سن آدم زیاد شود. بیرون از خانه ممکن است مدیر باشی، هنرمند باشی، ستاره باشی یا چهره محبوب میلیون‌ها نفر اما در نگاه مادر، هنوز همان کودکی هستی که یک روز دستش را گرفته‌ای تا از خیابان رد شوی. شاید برای همین است که مرگ مادر، فقط سوگ از دست دادن یک عزیز نیست؛ سوگ از دست دادن آخرین کسی است که گذشته‌ات را بی‌واسطه به یاد دارد.

درباره داریوش فرضیایی، این معنا پررنگ‌تر هم می‌شود. او تمام سال‌های شهرتش را صرف ساختن دنیایی کرد که در آن کودکان می‌توانستند بخندند، خیال‌پردازی کنند و برای ساعتی از تلخی‌های زندگی فاصله بگیرند. اما پشت این لبخندهای همیشگی، پناهگاهی وجود داشت که شاید خودش نیز کودک بودنش را از آن می‌گرفت؛ حضور مادری که هنوز می‌توانست او را نه «عمو پورنگ»، بلکه «داریوش» صدا بزند.

گاهی به نظر می‌رسد بعضی آدم‌ها آگاهانه نمی‌خواهند از کودکی فاصله بگیرند. نه از سر ناپختگی، بلکه چون می‌دانند تا وقتی در چشم مادر، پسربچه خانه باشند، جهان هنوز جای امن‌تری است. شاید داریوش فرضیایی هم، آگاهانه یا ناآگاهانه، دوست داشت برای مادرش همیشه همان کودک بماند، همان پسری که هر موفقیتی را اول باید با او قسمت می‌کرد و هر خستگی را کنار او زمین می‌گذاشت.

اکنون اما این نسبت گسسته است. خانه‌ای که مادر در آن نباشد، دیگر همان خانه نیست. آدم، هر بار که به آن برمی‌گردد، بیشتر از آنکه نبودن مادر را ببیند، نبودن بخشی از خودش را حس می‌کند. بخشی که با هیچ موفقیتی، هیچ تشویقی و هیچ محبتی از سوی دیگران بازنمی‌گردد.

تلخ‌ترین بخش این خبر شاید همین باشد. اینکه امروز، عمو پورنگ برای میلیون‌ها کودک همچنان همان مرد مهربان و خندان خاطره‌هاست، اما برای خودش، دیگر پسربچه‌ای نیست که مادری در انتهای روز منتظر بازگشتش باشد. و شاید معنای واقعی یتیمی، نه در کودکی، که دقیقاً از همین روز آغاز می‌شود؛ روزی که آخرین نفر نیز می‌رود که تو را از ابتدای زندگی‌ات، بی‌هیچ نقشی و بی‌هیچ نقابی، فقط به نام «پسرم» می‌شناخت. امروز میلیون‌ها نفر، عمو پورنگ را دلداری می‌دهند؛ اما هیچ تسلایی جای آن یک نفر را پر نمی‌کند. همان یک نفر که او را نه با نامی که مردم دوستش داشتند، که با نامی صدا می‌زد که فقط یک مادر بلد است، نام پسری که انگار دلش می‌خواست تا همیشه، برای مادرش، همان پسربچه بماند.

اطلاع رسانی

# وزارت نفت؛ هنر پیدا کردن راه

گزارش

**سمانه احمدی**
کارشناس انرژی

کافی است تاریخ فروش نفت ایران پس از انقلاب را ورق بزنید یا پای درد دل مدیران باسابقه فروش نفت در ادوار مختلف بنشینید تا متوجه شوید فروش نفت ایران هیچ‌گاه مسیری هموار، آرام و قابل پیش‌بینی نداشته است. گویی هر نسل از مدیران نفتی، با مانعی تازه روبه‌رو شده و ناچار بوده راهی متفاوت برای ادامه مسیر پیدا کند. خریدوفروش نفت و فرآورده‌های نفتی در روزهای جنگ تحمیلی، دشواری‌های حمل‌ونقل و صادرات، شوک قانون داماتو و ممنوعیت خرید نفت ایران از سوی شرکت‌های آمریکایی، توسعه ناوگان شرکت ملی نفتکش، مشکلات حقوقی معاملات نفتی، تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای و بعدها فشارهایی که همزمان نفت، نفتکش، بانک و خریدار را هدف قرار دادند، هرکدام فصلی از داستان طولانی فروش نفت ایران هستند. در دل همین تاریخ، روایت‌های دیگری هم وجود دارد؛ تجربه بازگرداندن مشتریان پس از دوره‌های تحریم، درخواست‌های عجیب برخی خریداران برای تخفیف بیشتر و حتی موضوعی که مدیران قدیمی فروش نفت از آن با عنوان «روان‌شناسی مشتری» یاد می‌کنند. همه اینها یک واقعیت را نشان می‌دهد: نفت فروختن، به‌ویژه برای ایران، فقط دانستن قیمت برنت و فرمول قیمت‌گذاری نیست. فروش نفت ایران در چهار دهه گذشته به دانشی انباشته تبدیل شده است؛ دانشی که بخش مهمی از آن نه در کتاب‌ها، بلکه در تجربه مدیران، کارشناسان و مذاکره‌کنندگانی تهفته است که بارها پشت میز خریدارانی نشسته‌اند که می‌دانستند فروشنده ایرانی با محدودیت روبه‌روست.

تحریم، رفتار مشتری را تغییر می‌دهد. برخی عقب می‌نشینند، برخی محتاط می‌شوند و بعضی تلاش می‌کنند از شرایط موجود بیشترین امتیاز را بگیرند. تخفیف بیشتر می‌خواهند، شرایط پرداخت را تغییر می‌دهند و گاهی تا آخرین لحظه مذاکره منتظر می‌مانند تا ببینند فروشنده تا کجا عقب خواهد نشست.

اینجاست که شناخت مشتری اهمیت پیدا می‌کند. باید دانست کدام خریدار واقعاً از تحریم می‌ترسد و کدام یک تحریم را بهانه‌ای برای گرفتن چند سنت تخفیف بیشتر کرده است. باید فهمید چه زمانی حفظ بازار اولویت دارد و چه زمانی باید مقابل خواسته مشتری ایستاد.

این تجربه یک‌شبه به دست نیامده است. شاید به همین دلیل بود که وقتی بار دیگر عبارت «صفر کردن صادرات نفت ایران» از واشنگتن شنیده شد، واکنش محسن پاک‌نژاد چندان محتاطانه نبود.

وزیر نفت گفت به صفر رساندن صادرات نفت ایران «آرزویی است که هرگز به آن دست نخواهند یافت» و سیاست فشار حداکثری را سیاستی شکست‌خورده دانست که پیش‌تر آزموده شده است.

اما در میان سخنان وزیر نفت، یک جمله بیش از دیگر جملات قابل تأمل بود: «هرچه محدودیت ما بیشتر شود، تدابیر اتخاذشده نیز پیچیده‌تر خواهد بود.» شاید بتوان تاریخ فروش نفت ایران در چند دهه گذشته را در همین یک جمله خلاصه کرد. هر بار محدودیت‌ها پیچیده‌تر شده‌اند، وزارت نفت نیز ناچار شده راه‌های خود را متناسب با شرایط تغییر دهد. زمانی مسئله، پیدا کردن خریدار بود؛ روزی دیگر حمل نفت به مسئله تبدیل شد. در دوره‌ای انتقال پول دشوار شد و زمانی بیمه و خدمات دریایی در حلقه فشار قرار گرفتند. هر بار تصور شد مسیرها بسته‌تر از گذشته شده‌اند و هر بار، صنعت نفت راهی برای ادامه پیدا کرد. این به معنای ساده بودن کار نیست. اتفاقاً اگر فروش نفت در سال‌های تحریم آسان بود، نیازی به این حجم از تجربه، تدبیر و شناخت بازار وجود نداشت. هنر فروش نفت در روزهای سخت دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که مسیرهای متعارف دیگر کار نمی‌کنند. اما اهمیت تداوم صادرات فقط در تعداد بشکه‌ها خلاصه نمی‌شود. در بازار نفت، غیبت طولانی می‌تواند به معنای واگذاری بازار به رقیب باشد. پالایشگاه منتظر بازگشت فروشنده نمی‌ماند؛ خوراک خود را تأمین می‌کند، قرارداد می‌بندد و روابط تجاری تازه‌ای می‌سازد. حفظ جریان صادرات، حتی در روزهای دشوار، به معنای حفظ جای پای ایران در بازاری است که رقبا برای تصاحب هر بشکه آن تلاش می‌کنند. اکنون شرایط بار دیگر در حال تغییر است. صدور مجوز فروش نفت خام، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ایران از سوی دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا، پنجره‌ای تازه پیش روی تجارت انرژی ایران گشوده است. مسیری که می‌تواند استفاده از سازوکارهای متعارف‌تر حمل، بیمه و پرداخت را تسهیل کند. مجوزی که البته چندان تداوم نداشت. اما شاید مهمترین پیام مواضع اخیر وزیر نفت، جای دیگری باشد.

پاک‌نژاد در یادداشت اخیر خود تأکید کرده است که ایران همچنان مشتاق ادامه و گسترش همکاری با شرکای قدیمی و کشورهایی است که در سال‌های تحریم در کنار صنعت نفت ایران باقی ماندند. در عین حال، از آمادگی برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی سخن گفته است. با این همه، جمله پایانی او جهت‌گیری روشنی دارد: «اگر سرمایه‌های خارجی آمدند که آماده‌ایم، اگر هم نیامدند، ما ایرانی هستیم و بدون توقف به راه اعتلای وطن ادامه می‌دهیم.»

سامان قدوسی نیز پیام این یادداشت را چنین خلاصه کرده است: برای سرمایه‌گذاری غربی‌ها آماده‌ایم، همکاری با شرق ادامه خواهد یافت، اما هیچ‌چیز نباید سبب شود صنعت نفت دست روی دست بگذارد و منتظر دیگران بماند.

شاید این همان درسی باشد که وزارت نفت در سال‌های طولانی تحریم آموخته است: هیچ‌گاه تنها یک راه نداشته باش. اگر مسیرهای رسمی تجارت باز باشند، باید از آنها استفاده کرد. اگر سرمایه خارجی آماده ورود باشد، باید زمینه همکاری را فراهم کرد. اگر شرکای شرقی در سال‌های سخت همراه بوده‌اند، باید همکاری با آنان را ادامه داد. اما حرکت صنعت نفت را نمی‌توان به تصمیم یک دولت، امضای یک فرمان یا نتیجه یک مذاکره گره زد.

نفت، صنعت انتظار نیست. میدان مشترک منتظر پایان مذاکرات نمی‌ماند، افت فشار مخزن با تقویم سیاست خارجی هماهنگ نمی‌شود و رقیب نیز تولید خود را تا روشن شدن آینده روابط ایران و غرب متوقف نمی‌کند. از همین رو، شاید تعبیر «برق سرمایه خارجی نباید بازوی عملیاتی ما را سست کند» یکی از مهمترین بخش‌های سخنان اخیر وزیر نفت باشد. صنعت نفت باید آماده استقبال از سرمایه باشد، اما نباید در انتظار آن متوقف شود. تاریخ وزارت نفت، به‌ویژه در چهار دهه گذشته، تاریخ مواجهه با بحران‌های پی‌درپی بوده است.

جنگ، تحریم، محدودیت سرمایه‌گذاری، مشکلات انتقال پول و فشار بر صادرات هر بار صورت مسئله را تغییر داده‌اند. مدیران آمده‌اند و رفته‌اند، ساختارها تغییر کرده‌اند و روش‌ها نیز ثابت نمانده‌اند؛ اما یک ویژگی باقی مانده است: توان پیدا کردن راه، درست زمانی که تصور می‌شود راه‌ها بسته شده‌اند.

شاید این مهمترین سرمایه نامشهود صنعت نفت ایران باشد: سرمایه‌ای که در ترازنامه شرکت ملی نفت ثبت نمی‌شود و نمی‌توان برای آن قیمت تعیین کرد، اما در روزهای سخت ارزش خود را نشان می‌دهد. امروز نیز اگر پنجره‌ای تازه برای همکاری اقتصادی و فروش نفت باز شده، وزارت نفت آماده استفاده از آن است. اگر سرمایه خارجی بیاید، درها باز است؛ اگر مشتریان بیشتری به بازار نفت ایران بازگردند، ظرفیت حضور وجود دارد و اگر مسیرهای رسمی تجارت گسترده‌تر شوند، صنعت نفت از آن استقبال خواهد کرد. اما تجربه چهار دهه گذشته یک پیام روشن دارد: اگر شرایط دوباره تغییر کند، حرکت متوقف نخواهد شد. مسیرها ممکن است تغییر کنند. محدودیت‌ها ممکن است پیچیده‌تر شوند و قواعد بازی بار دیگر عوض شود؛ اما وزارت نفت در هر شرایط، راه خود را پیدا می‌کند.

نوبت اول

صندوق بازنشستگی کشوری

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

**صندوق بازنشستگی کشوری** در نظر دارد در اجرای تکالیف مقرر در قانون برنامه هفتم پیشرفت نسبت به انجام خدمات ارزش‌گذاری سهام **شرکت پتروشیمی اصفهان (بورسی- با نماد شصفها) و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران (بورسی- با نماد حکشتی)** از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای در قالب قرارداد اقدام نماید.

**لذا از شرکت‌های مشاور سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های تأمین سرمایه دارای مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار** دعوت می‌شود برای دریافت اسناد مناقصه از ساعت ۰۷:۰۰ لغایت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ با در دست داشتن معرفی‌نامه معتبر از شرکت به نشانی تهران، خیابان دکتر فاطمی، نبش میدان جهاد، شماره ۶۱، طبقه دوم اداره کل منابع انسانی و پشتیبانی (تلفن ۸۳۵۱۲۱۳۱-۰۲۱ و شماره همراه ۰۹۱۹۷۲۵۱۲۰۳) مراجعه نمایند.

**مهلت تحویل پیشنهاد:** حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ به نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، نبش میدان جهاد شماره ۶۱ طبقه چهارم دبیرخانه محرمانه دفتر مرکزی حراست می‌باشد. **جلسه گشایش پاکت‌های پیشنهاد** رأس ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ در سالن جلسات صندوق واقع در نشانی فوق برگزار خواهد شد. مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مطابق با آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مبلغ **۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال** معادل چهارصد میلیون تومان می‌باشد که شرکت‌کنندگان می‌بایست این مبلغ را به‌صورت **سند واریزی** در وجه حساب جاری سپهر به‌شماره ۰۱۰۰۱۶۶۳۱۲۰۰۹ نزد بانک صادرات ایران **و یا ضمانت‌نامه بانکی** از بانک‌های دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی به‌نام صندوق بازنشستگی کشوری با اعتبار حداقل سه ماهه بدون قید و شرط و قابل تمدید از طرف صندوق ارائه نماید. ضمناً به استناد بند (ت) ماده ۱۹ آیین‌نامه معاملاتی صندوق، کمیسیون معاملات الزامی به دعوت از شرکت‌کنندگان در جلسه کمیسیون گشایش پاکت‌ها ندارد. **تمامی اسناد مناقصه مذکور در پایگاه ملی مناقصات کشور به نشانی http://iets.mporg.ir و همچنین لینک متن آگهی مناقصه در سایت صندوق بازنشستگی کشوری به نشانی: www.cspf.ir** قابل دریافت می‌باشد. صندوق حق دارد در چارچوب آیین‌نامه معاملات خود و قوانین عمومی کشور، هر یک از پیشنهادها را قبول و یا رد کرده و یا فرآیند مناقصه را لغو نماید و تمام پیشنهادها را در هر زمان، پیش از ابلاغ نامه پذیرش، رد کند و از این بابت، هیچ مسئولیت و تعهدی را در برابر شرکت‌کنندگان، نخواهد داشت. درصورت لغو مناقصه، صندوق بی‌درنگ شرکت‌کنندگان را از تصمیم خود مطلع می‌سازد. کلیه هزینه‌های چاپ آگهی به‌عهده برنده می‌باشد، سایر شرایط در اسناد مناقصه به تفصیل ذکر شده است.

**اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل صندوق بازنشستگی کشوری**